

C.SCMU09

Serial No.

184

D-DTN-J-QFB

PERSIAN

Paper—II

(Literature)

Time Allowed : Three Hours

Maximum Marks : 300

INSTRUCTIONS

*Candidates should attempt questions 1 and 5 which are compulsory, and any **THREE** of the remaining questions, selecting at least **ONE** question from each Section.*

All questions carry equal marks.

Questions 1 and 5 must be answered in

Persian and the remaining questions must be answered either in Persian or in the medium of examination specified in the Admission Certificate issued to you.

SECTION—A

1. Explain any **THREE** of the following Passages with reference to the context in Persian : $3 \times 20 = 60$

(الف)

پس دیگر روز تاش رایات بکشاد و کوس بز دو بر مقدمه
از بخارا برفت و از جیحون عبر کرد با هفت هزار سوار، و امیر با
باقی لشکر در پی او به نیشاپور بیامد۔ پس امیر تاش را و لشکر را
خلعت بداد و تاش در کشید و بر نیستی در آمد۔ و به کوشش بیرون
شد و روی به ری نهاد با نومی درست و حزمی تمام۔ و ماکان
باده هزار مرد حربی زره پوشیده بر در ری نشسته بود و به ری
استناد کرده تا تاش برسد و از شهر برگذشت و در مقابل او
فرود آمد، و رسولان آمد و شد گرفتند، بر هیچ قرار گرفت که
ماکان مفرور گشته بود بدان لشکر دل انگیز که هر جای فراهم
آورده بود۔ پس بر آن قرار گرفت که مصاف کنند و تاش
گرگ پیر بود و چهل سال سپهسالاری کرده بود و از آن نوع
بسیار دیده و چنان ترتیب کرد که چون دو لشکر در مقابل
یکدیگر آمدند و ابطال و شداد لشکر مراء النهر و خراسان از
قلب حرکت کردند نمی از لشکر ماکان به جنگ دستی کشادند و

باقی حرب نکردند و ما کان کشته گشت -

(ب)

در شرف آفتاب نیمه روز که فروغ جهان را در گیرد
سکین مبره سفید تا بناک به هندی سورج کرانت گویند برابر
آفتاب گذارند و سختی پنبه نزدیک دارند از تابش آتش بدودر
گیرد - آن آسمانی آذر به کار آگهان سپارند - چه انجیان و
مشعلجیان و مطنجیان از آن روشنی کار خویش طلبند چون سال
به فرخندگی سیری گردد باز ستانند و آوندی که در و نگاه دارند
رگن گر نامند یعنی آتشدان - و نیز سپیدگون سنگی رخشا پدید
آمد چند کرانت اورا مقابل ماه دارند - آب تراوش کند -
چون از روز یک گرمی ماند خدیو عالم اگر سوار باشد
فرود آید و اگر غنوده بیدار گردد و از هر نقاب جمال جهان آرا
یک سوشده ظاهر را هم رنگ باطن گردانند - و چون روشنی
بخش جهان نور خویش بر گیرد خدمت گزاران سعادت گرامی
در دوازده لگنهای زرین و سیمین کافوری شمعبها افروخته در
پیشگاه حضور آوردند -

(ج)

در این تفکر ساعتی بیاسودم، و در سایه
درختی بنفوسم چون چشم بکشادم پیری دیدم خوش نوا و لطیف

لقا۔ برطرفی دیگر نشسته۔ انبان و عصا در پیش۔ و مراتب
زاد و راحلہ خویش۔ پوشیدہ درمی سفت و با خود خنی می گفت
و در برابر وی سروی سرافراشته در چمن کاشته۔ باد بہاری
بروی می وزید و از جنبش آن نسیم می نوید۔ و پیر روی می
خندید۔ گوش داشتیم تا پیر سیاح چه می گوید و از آن ترنم و تبسم
و چه می جوید۔ این نظم در زبان داشت و این دردہان۔ از
جگر کباب با چشم پر آب می گفت۔۔۔ پس نظم تازی
بگذاشت و نوای دری برداشت و این ابیات را بر زبان
راند و این ترجمہ در بیان آورد۔ شعر

زہمی عالی درختی کز بلندی

سز و گردون گردان پایہ تو

بسی خورشید و ماہ و ابر بودہ

بہ باغ اندر رقیب و دایہ تو

چہ باشد گر غریبی مستندی

بیا ساید می در سایہ تو

بناز و در بہشت عدن شاید

اگر طوبی بود ہمسایہ تو

(د)

و نیز بزرگ حصار می بر سازد و در آن منازل دلگشا
آسایش فرماید و هر یکی از پردگیان را که از پنج هزار افزونند
جداگانه منزل نامزد گرداند و چون جوق بر ساخته به گزین
خدمتها سرگرم دارد. پرستاران پارسا گوهر به داروغگی و
دیدبانی هر گروهی باز گزارد و یکی از نیک ذاتان هفت
سرشت را اشراف بدهد. بسان بیرون کارخانه با آباد گردد
و روزی هر یک در خور فراخ گرداند. اگر چه اندازه بخشش
به جامه درکنجد لیکن ماهواره هر کدام همین پانواز یک هزار و
شصت و ده روپیه تا بست و هفت - آنچه این گروه را
خواهش رود به اندازه ما پیمان از تجویلهاران درونی باز
خواهند یاد داشت به شرف آستانه برسند و از دید آن گنجور
بیرونی سپارد و درین بازخواست برات بگذرد. و بر آورد
سالیانه نموده و به اجمال قبض نویسد و مبر اولیاء دولت نشانند
گردد. سپس سکه خاص شاهنشاهی که برای همین کار
جداگانه ساخته اند روالی گیرد بدین سند خزانه چی کل زر
حواله تجویلهار کل بیرونی نماید.

2. Highlight importance of Ain-e-Akbari as an administrative manual of Mughals Court. Give some Persian quotes from Ain-e-Akbari. 60
3. Elucidate literary importance of Qabusnama Washmigr. 60
4. "Short stories of Sadiq Hedayat reflect the mental agony of himself as well as a section of Iranian Society." Discuss it and quote examples from Desh Akul & Girdab. 60

SECTION—B

5. Explain any **THREE** of the following into Persian with explanatory notes : 3×20=60

(الف)

ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی، ای دماوند
از سیم به سر، یکی کله خود
ز آهن به میان یکی کمر بند

تا چشم بشر نیندت روی
نهفته به ابر چهر دل بند
تا وارهی از دم ستوران
وین مردم نخس دیو مانند

باشیر سپهر بسته پیمان

با اختر سعد کرده پیوند

چون گشت زمین ز جور گردون

سردوسیه خموش و آوند

بنواخت ز خشم بر فلک مشت

آن مشت توی تو، ای دماوند

تو مشت درشت روزگاری

از گردش قرنها پس افکند

از آتش دل برون فرستم

برقی که بسوزد آن دبان بند

من این کنم و بود که آید

نزدیک تو این عمل خوشایند

(ب)

زیبند ه عروسی که بیفزوده جمالش

هر دم بنظر خوش تر و شاداب تر آید

هر لحظه که شاداب ترش بنم گویم

بکشای بغل بو که در آغوش در آید

یاد از روش خود کنم و بزم خداوند

هر گه که صبا از چمنش جلوه گر آید

چون بوسے گل آید کنم از انجمنش یاد
تا نکبت گل مایہ صد در دوسر آید
ہر کہ کہ بعزم سفر از شوق تو عرفی
آید بوداع وی و با چشم تر آید
رازی کند از شش جہت آغاز کہ شتاب
کین فصل و سہ فصل و گرم بر اثر آید
لیک از ہمہ خلدست کہ بی طوف جنابت
چندان نکند ملکث کہ وقت شمر آید
کشمیر بر او والہ او والہ کشمیر
امانہ چنان کش بدل از دیدہ در آید

(ج)

گشت با عیسی یکی ابلہ رفیق
استخوانہا دید در حفرہ ہی عمیق

گفت ای ہمراہ آن نام سنی
کہ بدان مردہ تو زندہ ہی کنی
مر مرا آموز تا احسان کنم
استخوان را بد آن با جان کنی

گفت خاموش کن که آن کار تو نیست
لایق انفاس و گفتار تو نیست
عمرها بایست تا دم پاک شد
تا امین مخزن افلاک شد
خودگرفتی این عصادر دست راست
دست را دستا موسی از کجاست
گفت اگر من نیستم اسرار خوان
هم بر تو خوان نام را بر استخوان
گفت: عیسی یارب این اسرار چیست
میل این ابله درین بیگار چیست
چون غم خود نیست این بیمار را
چون غم جان نیست این مردار را
مرده ای خود را رها کرده است او
مرده ای بیگانه را جوید رفو؟

(د)

عکس روی تو چو در آئینه جام افتاد
عارف از خنده می در طمع خام افتاد

حسن روی تو بیک جلوہ کہ در آئینہ کرد
این ہمہ نقش در آئینہ اوہام افتاد
این ہمہ عکس غمی نقش نگارین کہ نمود
یک فروغ رخ ساقیست کہ در جام افتاد
غیرت عشق زبان ہمہ خاصان برید
کز کجا سر غمش در دہن عام افتاد
من ز مسجد بہ خرابات بہ خود افتادم
ایتم از عہد ازل حاصل فرجام افتاد
چہ کند کز پی دوران نرود چون پرکار
ہر کہ در دائرہ گردش ایام افتاد
در خم زلف تو آویخت دل از چاہ رنج
آہ کہ چاہ برون آمد و در دام افتاد
آن شد ای خواجہ کہ در صومعہ بازم بینی
کار ما بارخ ساقی و لب جام افتاد

6. Urfi's Qasaid reflect the best qualities of Indo-Persian style of poetry. Discuss, quoting appropriate examples. 60.

7. Nima Yushij founded the school of free verse in Modern Persian Poetry." Discuss this quote highlighting major features of free verse poets of Nima's school. 60
8. "Amir Khusro's Ghazals are the representative of Sabk-e-Hindi." Show your acquaintance with the said school of stylistic and elaborate the major feature of it. 60

